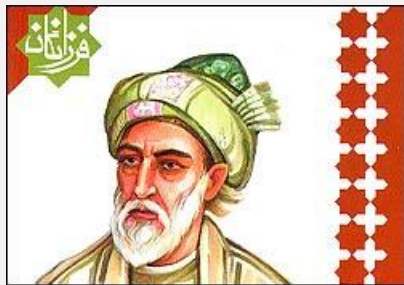


سید محمدعلی صائب تبریزی

یکی از درخشان‌ترین کواکب آسمان ادبیات و عرفان‌اعرف‌العارفین و المشتاقین سید محمدعلی صائب تبریزی می‌باشد کلب آستان شاه ...



یکی از درخشان‌ترین کواکب آسمان ادبیات و عرفان‌اعرف‌العارفین و المشتاقین سید محمدعلی صائب تبریزی می‌باشد کلب آستان شاه عباس پس از آنکه اصفهان را به پایتختی برگزید از همه‌جا خصوصاً از تبریز علما و ثروتمندان را مشوق تطمیعاً بر کوچیدن و رحل اقامت افکندن در اصفهان شد پدر صائب میرزا عبدالرحیم تاجر اوغلو هم که از تاجر بزرگ تبریز بود از همان اشخاص می‌باشد که به سال 1017 که شاه عباس به تبریز آمده طبق دستور او از تبریز کوچید و در عباس‌آباد اصفهان ساکن گردید و به تجارت اشتغال ورزید صائب از ایام کودکی در اصفهان تحصیل علوم گوناگون را و جهة همت خود قرار داد و مدارج عالی کمالات را طی نمود و به (مستعدقان) ملقب شد لکن در عالم ادبیات عندالادبا و الفضلا (ملك الکلام) لقب ثانوی او بود بهره‌کامل از سجایای اخلاقی داشت (صائب) هم می‌گفتندش به فارسی و تورکی آثار پربهائی از خود به یادگار گذاشته است اینک نموداراً يك غزل عرفانی از ایشان درج می‌شود.

راز دل را می‌توان دریافت از سیمای مان‌شاء می‌تابد چو رنگ از پرده مینای ما

گرچه او هرگز نمی‌گیرد ز حال ما خبر دردد او هر شب خبر گیرد ز سرتا پای ما

سیحۀ ذکر ملا يك از نظام افتاده است پس که پیچیده است در گوش فلك غوغای ما

چون بساط سبزه زیرپای سرو افتاده است آسمان در زیر پای همت والای ما

ریخت شنور حشر در پیمانه عالم نمک می‌زند جوش سینه مستی، همان صهای ما

حال باطن را قیاس از حال ظاهر می‌کنند ما را در خاک می‌بندد دل دانای ما

پای ما يك خار را نگذاشت صائب بی‌شکست آه اگر خار انتقام خود کشد از پای ما

صائب عارف ربانی بوده از وحدت وجودها نیست می‌بینیم که در اشعارش پایش نلغزیده است. این عارف توانا زادگاه خود تبریز را همواره علاقه نشان داده این بیت بعنوان نمونه درج می‌شود (صائب از خاک پاک تبریز است هست سعدی‌گر از گل (شیراز) در این بیت تعریضاً و به حق و حساب سعدی هم رسیده است بمحض رسیدن به حد بلوغ به مکه مشرف گردیده از آنجا به مشهد رفته است چنین گوید.

(لله الحمد که بعد از سفر حج صائب عهد خود تازه به سلطان خراسان کردم)

از اصفهان دلگیر شده به شبه قاره هند سفر کرده در آن ممالک دانش خود را به حد اکملی می‌رساند و از مقرّبین جهان‌شاه پدر دارالشکوه می‌گردد و مورد حرمت حاکم کابل ظفرتان (احسن) می‌شود جهان‌شاه او را با لقب (مستعدخانی) و منصب (هزاره) مفتخر می‌گرداند. (خیرالبیان) تذکره نیست که در آن مذکور شده لقب مستعدقان را درویشی بنام (حق آه) بر صائب داده است شاه عباس ثانی صائب را ملقب به ملك الشعرا گردانید بیشتر از هفت هزار غزل سروده است که به هیچ يك از شعرا میسر نبوده است وسعت فکر صائب گویا اختصاص بر خود او دارد معرفتی که صائب بر فیوضات صبح‌رسانیده در این خصوص کوس خاقانی را نواخته است صائب از مخالفین سرسخت میخواران است فرماید (زاشک تاك بر روشندان روشن شد این معنا / که دارد گریه تلخ پشیمانی شراب از پی) صائب به سبک‌آذربایجانی شعر سروده ولی با سبک عراقی ممزوج ساخته است (اظهار عجز پیش ستمگر زابلهیت / اشک کباب موجب طغیان آتش است) صائب که از شعراي ذواللسانین است. به ترکی غزل‌های دلنشینی دارند نموداراً چند بیتی از غزلی درج می‌شود (نه احتیاج که ساقی و نره شراب سینه / کی اؤز پیاله سینی و نردی آفتاب سینه / شراب لعل ایچون تۆکمه آبرو زینهار / که دمدم لب لعلون و نرور شراب سینه / سنین صحیفه حسنون کلام صائب دیر / کی دام صید اولور، خال، انتخاب سینه) در تاریخ تولدش اقوال، گوناگون است 999 قریب به صحت می‌باشد به سال 1087 در اصفهان مرغ روح پهناورش از قفس تن آزاد گشت و در آن شهر مدفون گردید اخیراً قبرش پیدا شده است.